



شناسایی دشمنان در هر زمان

این فراز زیارت عاشورا به شیعه آموزش می دهد که دشمنان حضرت امام حسین (ع) به امثال شمر و یزید محدود نکنند. یعنی هر ملتی و هر طیفی و هر قشری در هر زمانی و در هر مکانی علیه اهل البیت (ع) انحراف و ظلم را پایه ریزی کنند، آنها را لعنت کنید، آنها را بشناسید، از آنها برائت بجویید.

قطعا امام زمان (ع) از اهل البیت هستند و دشمنانی در قالب «اسست اساس الظلم» دارند پس دشمنان امام زمان هم جزء همین فراز هستند که اکنون باید شناسایی و لعنت شوند. دشمنان اهل البیت بدیهی است که تنها مربوط به هزار و چهارصد سال قبل نیستند، و حضرت مهدی (عج) هم از اهل البیت

هستند و دشمنان انبوهی دارند چون عبارت «بعد ما ملئت ظلما وجورا» آشکارا خبر از انبوه جمعیت دشمنان حضرت مهدی (عج) می دهد. «بعد ما ملئت ظلما وجورا» یعنی در زمان حضرت مهدی (عج) دشمنان آل

شیطان است و حتی نتیجه نیمه دیگر ایمان نیز پرهیز از شیطان می باشد.

تبری از دشمنان رسول خدا و اهل البیت او نیمه اصلی اعتقادات شیعه است. لعنت کردن حقیقی، شیعه را به سوی «سلم لمن سالمکم» می کشاند یعنی نتیجه چنین لعنتی، انسان را به رسول خدا و اهل البیت او و دوستان حقیقی آن بزرگوار متصل می کند.

لعنت کردن حقیقی و از روی صدق، «محب لمن احبکم» را تضمین می نماید؛ یعنی دشمن شناسی و شناخت ضربه ها و مصائبی که بر رسول خدا و اهل البیت او وارد کردند، موجب می شود که انسان به مظلومیت و حقانیت اهل البیت پی ببرد و محب آنها شود.

۴۲ آیه از قرآن کریم، حق تعالی فرهنگ لعنت را ترسیم فرموده است که در هیچ یک از آیات مربوطه، مفهوم لعنت به دشمنی لفظی محدود نمی شود بلکه تمام آیات مذکور نشان از ضرورت برنامه ریزی و اجرای تحقق لعنت دارد.



موضوع

چه کسانی را دوست داشته باشیم و چه کسانی را دوست نداشته باشیم از دیدگاه آیات

و لعن الله امه اسست اساس ظلم و الجور علیکم اهل البیت

از حضرت حق (که قهاریت و جباریت فقط شایسته اوست) درخواست می کنم که لعنت فرماید، آن قشر یا طیفی از جامعه را که در نهادینه کردن ریشه ها و اساس ظلم و جور علیه شما اهل البیت رسول خدا (ص) نقش اصلی را به عهده داشتند.

ضرورت برخورد خشونت آمیز با دشمنان اسلام

نیمی از اسلام با دشمن شناسی و پرهیز از دشمن حفظ می شود. نیمی از قرآن را شیطان شناسی و پرهیز از شیطان، تشکیل می دهد. نیمی از ایمان پرهیز از

محمد آنچنان زیاد می شوند که جهان از دشمنان مهدی (عج) و از انحرافات و برنامه های دشمنانش مملو می شود! که وظیفه شیعیان است دشمنان حضرت را شناسایی کرده و با لعنت یعنی تند ترین برخورد با آنها برای برائت از آنان برنامه ریزی کنیم؛ و به همین دلیل طیف ها یا جناح های سیاسی یا اقلشاری را که در براندازی اهل البیت و فرهنگ اهل البیت نقش تعیین کننده داشته اند را با عنوان «**اُمّه**» مطرح می فرماید یعنی هر ملت هر جامعه و یا هر طیف و یا هر جناح سیاسی و یا هر قشری از اقشار جامعه و یا هر اندیشمند منحرف که ظلم و جور اهل البیت را پی ریزی کند باید مورد لعنت شیعه واقع شود و هر فرهیخته و یا دانشمند و یا فیلسوف و یا استاد دانشگاه و حتی اگر در لباس روحانیت بود ولی انحراف از مکتب و فرهنگ اهل البیت را در نظر مردم، منطقی جلوه دهد و مردم را دچار شبهه و انحراف کند و مکتب اهل البیت و حق آل محمد را به صورتی به ظاهر علمی و منطقی زیر سوال ببرد باید مورد لعنت واقع شود.

این جناح سیاسی در تمامی ادوار زندگی اهل البیت و ائمه معصومین (ع) در اشکال گوناگون وجود داشته و هنوز هم در مقابل مکتب اهل البیت وجود دارند، به گونه ای انحراف از فرهنگ اهل البیت و تجاوز به هدایت و حکومت حق آل محمد را مطرح می کنند که مردم از

اساس و مبانی در اندیشه و فلسفه فکری و عقیدتی خویش دچار شبهه شوند.



جناح «**اسست اساس الظلم**» خطرناک ترین دشمنان

اهل البیت

این طیف خطرناک ترین طیف فکری از جناح های سیاسی یا خطرناکترین قشر از اقشار جامعه در منحرف کردن جامعه از مکتب اهل البیت می باشند و به همین دلیل اولین مجموعه ای هستند که در زیارت عاشورا مورد لعن و نفرین قرار می گیرند. این طیف چون ریشه اعتقادات مردم را نسبت به قرائت اهل البیت از اسلام، سست و دچار خدشه می کنند و زیر سوال می برند در حقیقت اساس حکومت اندیشه و فرهنگ اهل البیت را براندازی می کنند و لذا خطرناکتر از تمام دشمنان اهل البیت می باشند.

پس از کلیات راجع به محبت و دوستن داشتن، نوبت به این می رسد که در بین اشخاص و انسان ها، چه کسانی را دوست داشته باشیم و چه کسانی را دوست نداشته باشیم؟

چه کسانی را دوست نداشته باشیم

کسی که محبوب غایبی اش خداوند سبحان نیست، هرکاری و هر کسی را که خدا دوست داشته باشد، دوست نخواهد داشت.

آیات قرآن به این گروهها اشاره نموده است.

کفار «**إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ**»

مفسدان «**وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ**»

خائنان «**إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ**»

تجاوزکاران «**إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**»

اسراف کاران «**إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ**» و ...



چه کسانی را باید دوست داشته باشیم؟

اما محبت‌های هر کسی، شناسنامه و آینه‌ی معرفت، گرایش، شاکله و شخصیت اوست

چنان که فرموده‌اند: «ارزش هر کسی، به اندازه‌ی ارزش همان است که دوستش می‌دارد». کسی که دوست‌داشتنی‌ها و محبوب غایب‌اش دنیا و متاع آن باشد، با کسی که محبتش به هر چیزی یا هر کسی، به محبت خدا می‌رسد، دو شخصیت و شاکله‌ی کاملاً متفاوت و حتی متضاد دارند. بنابراین، هر کسی باید ببیند که چه چیزهایی و چه کسانی را دوست دارد و چرا؟!



در آیات قرآن کریم مصادیق حب الله بیان شده است.

پاکان «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»

نیکوکاران «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

متوکلان «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

صابران «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»
تقوایندگان «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» و ...



منابع: اسرار عاشقان و مقامات عارفان در زیارت عاشورا، مرتضی زاهدی جلد اول

پیام عاشورا (شرح زیارت عاشورا) شیخ علی صحت

کتاب شرح زیارت عاشورا، علی اصغر عزیزی
تهرانی

تهیه کننده: معاون پژوهشی مدرسه علمیه

الزهراء مهریز

دوست داشتن (محبت)، مانند حلقه‌های یک زنجیر، به هم پیوسته است و این سلسله برای هر کسی و در هر موضوعی ادامه دارد، تا برسد به "محبوب غایب او". مثل کسی که اشتغال را برای درآمد دوست داشته باشد، و درآمد را برای رفاه دوست داشته باشد، و رفاه را برای آسایش و سلامت دوست داشته باشد و ... پس مهم، همان هدف نهایی است که یا "حبّ الله" است و یا "حبّ الدنيا". است. مثل کسی که شغل را برای درآمد، رفاه، تکبر، عجب، نمایش به دیگران، سلطه و ... دوست داشته باشد. هدف نهایی او حب دنیا است اما کسی که شغل را برای خدمت دوست داشته باشد و خدمت را برای جلب رضایت محبوب غایب (الله جلّ جلاله) دوست داشته باشد، هدف نهایی او حب الله است.